

بفرمایید ایمپلنت داخلی!



امیدواریم به استفاده از جراحی ایمپلنت یا به قول معروف کاشت دندان، ناکزیر نشوید. درد جسمی آن یک طرف، درد هزینه هایش طرف دیگر. یکی از علت های اصلی گران درآمدن این جراحی، وارداتی بودن بیشتر ایمپلنت های است که در حدود یک میلیون جراحی سالانه استفاده می شود. چشم روشنی امروز مان به همین موضوع مرتبط است. محققان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی دیروز از نمونه ایمپلنت داخلی رونمایی کردند که علاوه بر کیفیت قابل رقابت با نمونه های

خارجی، یک دهم آن ها هزینه دارد. آن طور که احمد مولودی، عضو هیئت علمی مواد و متالوژی جهاد دانشگاهی استان، به ایسنا گفته است، ایمپلنت های رایج که امروزه استفاده می شود، یک عیب دارد و آن، سرب و تیتانیوم در مواد اولیه است. این موضوع می تواند باعث شود بدن، ایمپلنت را نپذیرد و پس بزند؛ ایمپلنت، لق بشود و پس از گذشت چند سال کارایی اش را از دست بدهد. هیچ یک از این مشکلات در ایمپلنت نمونه داخلی که به آن اشاره شد و پنج سال روی آن مطالعه

شده، وجود ندارد؛ چون از فناوری ای استفاده شده است که سطح ایمپلنت ها را متخلخل می کند و با ایجاد ساختار سلولی، با بدن سازگار می شود. همچنین از موادی استفاده شده است که غیر سمی و حساسیت زدا هستند. این محصول، از مرحله تحقیقات عبور کرده، وارد گام تجاری سازی شده است و با ورود آن به بازار و شکستن قیمت ها، افشار کم درآمد هم می تواند به انجام جراحی ایمپلنت اقدام کنند؛ همچنین ارز کمتری از کشور خارج می شود و یک کار آفرینی به تمام معناست.

جای خالی کرسی آزاداندیشی در دانشگاه

روایت دانشجویان از مطالباتی که دارند و دنبال گوش شنوایی هستند

گروه جامعه

گزارش روز

لطفا مسئولان بخوانند، این حرف ها، حرف دل دانشجویان برای شماست. فرزندان این آب و خاک از شما که مسئول هستید، مطالباتی دارند. می خواهند دیده شوند، شنیده شوند. گلایه دارند از اینکه هیچ مسئول کشوری، برای گفت وگو به جمع دانشجویان دانشگاه فردوسی که جزو چند دانشگاه برتر کشور است، نیامده و اگر هم آمده، فقط به بازدید و یک گپ سرپایی در مقابل خوابگاه دانشجویی بسنده کرده است و پس، می گویند انتصابات دانشگاه ها باید از میان مسئولان دانشگاهی که گوش شنوا دارند و به گفته دانشجویان، دلسوز دانشگاه و دانشجویان هستند، صورت گیرد. به دانشگاه و جمع پرشور دانشجویی دعوت هستید. بیا بید، بشنوید و دلسوزانه پاسخ دهید. برای این گزارش به سراغ ۹ دانشجوی رفتم. بعضی هایشان همان اول، دست رد به سینه مان زدند؛ یکی شان با حالت قهقر گفت که به هیچ عنوان به گفت وگو علاقه ندارد. بهانه های مختلفی آوردند. یکی دیگر که پاسخش منفی بود، دلایلش را این طور بیان کرد: «خودتان می دانید!»، در نهایت با سه دانشجوی گفت وگو کردیم که یکی از آنان حاضر به درج نامش نشد. این یک گپ و گفت صریح و پرشور دانشجویی است.

مسئولان دانشگاهی دلسوز، کم تعدادند



زهر خسروشیری دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی است. او از سال ۹۵ وارد شورای صنفی دانشجویی شده و از سال ۹۶ به صورت جدی در شورای صنفی دانشجویی فعالیت داشته است. خسروشیری دغدغه های دانشجویی را دسته بندی شده می داند و بر این نکته تأکید می کند که نمی توان دغدغه های دانشجویی را در نسل های گوناگون، متفاوت دانست.

او می گوید: دغدغه های دانشجویان به سرفصل های مشخصی نظیر امور صنفی، رفاهی، پژوهشی و... دسته بندی می شود که نسل قبل دانشجویان نیز همین دغدغه ها و مطالبات را داشته اند. تنها تفاوتی که او قائل می شود، مربوط به کیفیت دغدغه هاست که در دانشجویان امروزی تغییر کرده است. این دانشجویان به دغدغه های رفاهی (امکانات، خوابگاه و اسکان، تغذیه و...) دانشجویان اشاره می کند و معتقد است که این مسائل و مشکلات حل نشده مانده و روی هم انباشته شده است.

دانشجویی نیز این طور توضیح می دهد: در چند ماه اخیر، دانشجویان خواسته هایی داشته اند که چهره دانشگاه ها را دستخوش تغییراتی کرده است. خطاب من به نسل خودم است. نسل امروز نسلی بی پروا و دارای استقلال فکری است، به همین دلیل خود را در چارچوب آیین نامه ها و ضوابط قرار نمی دهد. از سوی دیگر، شاهد

کم رنگ بودن ارتباط مسئولان با دانشگاه و دانشجویان هستیم.

او می گوید: در سال های گذشته، گوش شنوایی برای شنیدن حرف های دانشجویان نبود. ارتباط هیئت رئیسه سابق دانشگاه فردوسی مشهد با دانشجویان و جلسات گپ و گفتشان در ابتدای فعالیت، بیشتر بود اما رفته رفته میزان آن کاهش یافت، اکنون نیز هیئت رئیسه دانشگاه تغییر کرده است. در مجموع تعداد افرادی که گوش شنوای مطالبات دانشجویان هستند، کم است و اگر از دانشجویان بپرسید، تنها چند فرد را نام می برند.

او در ادامه می گوید: در سال های گذشته، جلسات گپ و گفت دانشجویی اغلب زمانی برپا می شد که نارضایتی شکل می گرفت؛ یعنی اگر نارضایتی علنی می شد و در ادامه رنگ و بوی اعتراض به خود می گرفت، تازه این جلسات برگزار می شد.

این دانشجوی کارشناسی ارشد می گوید: البته اخیرا جلسات «به وقت پاسخ» برای پاسخ گویی به سؤالات دانشجویان برگزار می شود، اما تاکنون نتیجه ای نداشته است

و مسئولان فقط شنونده بوده اند، این موضوع دانشجویان را ناامید می کند. البته من معتقدم باید مطالباتم را فارغ از هیجان های زودگذر مطرح و پیگیری کنیم و با استمرار در مطالبات به نتیجه مطلوب جمعی برسیم. هیجان آنی و پیگیری نکردن مطالبه، یکی از عوامل شکل گرفتن ناامیدی در دانشجویان است.



باید مطالباتمان را فارغ از هیجان های زودگذر مطرح و پیگیری کنیم و با استمرار در مطالبات به نتیجه مطلوب جمعی برسیم



حقیقی به محیط مجازی کشیده شد؟ چرا مرجعیت اطلاع رسانی به دانشجویان در اختیار نشریات دانشگاهی، تشکل ها و خبرگزاری دانشجویی نیست و این مرجعیت میان افرادی دست به دست می شود که در فضای مجازی، آزادانه هر نوع ادبیاتی را به کار می برند و مرجع اطلاعات دانشجو شده اند؟ پاسخ خیلی ساده است. وقتی مطبوعات و نشریات دانشگاهی که می توانند به شکل منصفانه نقدها را مطرح کنند، به تعطیلی کشیده شوند،

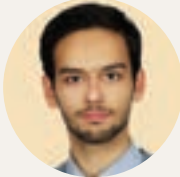
گفت وگو باید در دانشگاه و با حضور مدیران صورت گیرد. این اشکال بزرگی است که ما فضای گفت وگو و کرسی های آزاداندیشی نداریم

شاهد آن خواهیم بود که مرجعیت اطلاعات دانشجو از این دست به آن دست می شود و در اختیار افرادی قرار می گیرد که در کنشگری های اجتماعی، چندان اطلاعات دقیقی ندارند. در چند وقت اخیر، چند روایت از اتفاقات دانشگاه و کنشگری های دانشجویان از سوی خبرگزاری های دانشجویان، نشریات و تشکل های دانشجویی منتشر شد؟ اگر هم روایتی منتشر شد، به گونه ای بود که مناقشه دو طرف را به دنبال داشت،

مطالباتی که در نیمه راه رها می شوند



امیر لقمانی دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی شیمی است. اومی گوید: مطالبات دانشجویی به دنبال تحلیل ها و کنشگری اجتماعی فرهنگی و سیاسی دانشجویان شکل می گیرد. به نظرم، اکنون در فضای گفت وگو و کنشگری اجتماعی و سیاسی دانشگاه فردوسی، رکودی دیده می شود و اگر دانشگاه



در فضای گفت وگو و کنشگری اجتماعی و سیاسی دانشگاه فردوسی، رکودی دیده می شود و اگر دانشگاه فردوسی باید دیگر دانشگاه های کشور مقایسه شود، این رکود راه به وضوح می توان درک کرد

برای دینار با دانشجویان به دانشگاه فردوسی آمدند. اگر هم مسئولی آمد، برای گفت وگویی دوطرفه نبود و تنها از خوابگاه دانشگاه بازدید کردند و رفتند.

چشم‌تان روشن

خبرهایی را که حال دلمان را خوب می کند برای ما ارسال کنید

به قول قدیمی ها، آدمیزاد به امید زنده است. برای امیدواری بهانه که هیچ، دلیل هاهم فراوان اند. می گویند نه؟ کافی است هر روز به «چشم‌تان روشن» سری بزنید و به خبر خوشی که از میان انبوه خبرهای خوب هر روز انتخاب کرده ایم، نگاهی بیندازید. کوچکی یا بزرگ، فرقی نمی کند، اگر شما هم خبر خوشی دارید، با ما در میان بگذارید تا با کمک همدیگر، حس خوب زندگی را باهمشهریانمان به اشتراک بگذاریم. راه ارتباطی مان، مستقیم و نزدیک است. کافی است به شماره ۰۹۱۵۸۲۳۴۹۶۴ پیامک بدهید تا ما در کوتاه ترین زمان با شما تماس بگیریم و چشم مردم را به خبر خوشتان روشن کنیم.

یادداشت

حرف باد هوا نیست!



اصلا قبول ندارم حرف باد هواست! حرف باد هوا نیست، حرف بمب و دینامیت است، ساطور و تبر است، زلزله و آتش فشان است. اگر باد هوا بود، این گونه همه چیز را به هم نمی ریخت. وقتی بایک جمله، نه، حتی بایک کلمه، می توان چنان آرامش، آبرو، علاقه و دو دمان یک انسان را به باد داد، چرا می گویند حرف باد هواست؟ برخی عادت کرده اند هرز باشند. هر چه دلشان می خواهد به این و آن بگویند و دست آخر هم که از ناراحتی دیگران باخبر می شوند، بلافاصله می گویند: حرف باد هواست؛ منظوری نداشتیم! این زبانی که در بین

سایر اندام های بدن حجم زیادی هم ندارد، می تواند مستقیم انسان را به قعر جهنم ببرد. پس مراقبش باشید. گاهی می توان همچون شمشر بایک جمله، سر یک نفر را برید، ریشه اش را زد، حالش را گرفت، دلش را شکست و خلاصه بلایی به سرش آورد که شاید مدت ها طول بکشد حالش جا بیاید. پس مراقب همین باد هوا باشید که همچون طوفانی، دین و دنیای شما را خراب نکند. سخن گفتن با دیگران از ساده ترین انواع برقراری ارتباط بین انسان هاست که هم می تواند امید آفرین، دل نواز، زیبا و روحیه بخش باشد و هم می تواند سبب ناامیدی، ایجاد کینه و دشمنی و ده ها مشکل دیگر شود. آدمی اگر می خواهد عاقبت به خیر شود، باید زبان خود را جمع کند، افسارش را در درستان خویش محکم نگاه دارد، هر جا خواست خود نمایی کند و کلامی را نقل کند، حسایی با عقل و وجدان او را کنترل و پیامدهای گفتارش را پیش بینی و گوشزد کند و خلاصه اینکه حواسش باشد این زبان قدرت عجیبی دارد که هم می تواند انسان را به قعر جهنم ببرد و هم سبب رستگاری فرزندان آدم شود. انسان ها در برابر کلمات، دفاع و سیری ندارند، پس آن ها را همچون سنگ سختی پرتاب نکنید که به جسم و روح و اندیشه فرد آسیب خواهید رساند. همان جایی که تصمیم می گیرید طرف راسر جایش بنشانید، خشم خود را خالی کنید، انسانی را تحقیر یا به اصطلاح ضایع کنید، آبروی کسی را برید، اسرار فردی را بازگو کنید، عیب و نقصان دیگران را نقل مجلسی کنید، از سر حسادت یا برای دوه به من زنی چیزی بگویید و ... دقیقا همان جا زمانی است که حرف ها آتشی می شود که به جان خود و دیگران خواهید انداخت که هر آنچه را عمل خیر داشته اید، می سوزاند و آرامش را از شما می ستاند. علاوه بر اینکه هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد، فراموش نکنیم در بسیاری از موقعیت ها انسان نباید سخن بگوید. نشان به آن نشان که در بسیاری از اصول اخلاقی و ادبی، سکوت محترم و نشانی از عقلانیت شمرده شده است. چه بسا انسان به خاطر پرحرفی و گزافه گویی، کلامی به زبان جاری سازد که ارزشی ندارد یا سبب گناه شود. پس خوب است در بسیاری موارد، سکوت را هم امتحان کنیم.

روایت

اگر سنگ هم ببارد، به کتابخانه می آیم



علی قیاسی |سعید و خواهرش، ستایش، دوهفته ای است که عضو کتابخانه زنده یاد امیرحسین فردی در خیابان طبرسی شمالی یک شده اند. چند شب پیش در هوای سرد و یخ بندان بادوچرخه به کتابخانه آمدند. گفتم: مگر مجبورید که در این هوای سرد و زمین لغزنده، به کتابخانه می آید؟ سعید گفت: من کتاب خواندن را دوست دارم. حالا که عضو کتابخانه شده ام، اگر از آسمان سنگ هم ببارد، به کتابخانه می آیم؛ برف و زمین لغزنده و یخ بندان که چیزی نیست! ستایش هم گفت: امشب کتاب بافتنی لازم داشتیم، الان هم می خواهیم برویم میل بافتنی بخیریم. سعید که کلاس هفتم است، کتاب «قهرمانان، زندگی شهید پروچردی» و خواهرش، ستایش که در کلاس پنجم درس می خواند، کتاب «آموزش بافتنی» را به امانت بردند. البته یک کتاب آشپزی هم امانت گرفتند، برای مادرشان.

